

مجله‌ی علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز  
سال ششم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۹۴ (پیاپی ۱۲)

## در جست‌وجوی دیگری؛ بررسی جلوه‌های دگربودگی در ادبیات کودک و نوجوان ایران

امین ایزدپناه\* بابک شمشیری\*\*

دانشگاه شیراز

### چکیده

مفهوم «دیگری» و «دگربودگی» از مفاهیم پیچیده‌ی فلسفی است که می‌توان آن را در گستره‌های گوناگون از زندگی انسان مانند اجتماع، سیاست، اخلاق، ادبیات، آموزش و پرورش و جز آن جست‌وجو کرد. در این پژوهش، در گام اول، تلاش شده است انواع دگربودگی در نمونه‌ای شامل ۲۷ اثر داستانی ادبیات کودک و نوجوان ایران، با روش تحلیل محتوای کیفی (از نوع قیاسی) و با درپیش‌گرفتن رویکردی توصیفی بررسی گردد تا آشکار شود کدام یک از انواع دگربودگی در کتاب‌های داستانی کودک و نوجوان ایران بازنمایی شده و کدام‌ها مجال جلوه‌گرشدن نیافته‌اند. در گام دوم، چگونگی بازنمایی این دگربودگی‌ها و نوع ارتباط شخصیت‌هایی که دیگری به شمار می‌روند با شخصیت‌های مرکزی داستان‌ها بررسی شده است. برای رسیدن به این هدف، در مطالعه‌ی نمونه‌ها از روش تحلیل محتوای تأملی با رویکردی توصیفی تفسیری استفاده شده است. نتیجه‌ی این بررسی نشان می‌دهد در ادبیات کودک و نوجوان ایران، صدای دیگری چندان بلند نبوده و حضور او کم‌رنگ است؛ همچنین، کنش «دیگری»، در ارتباط با قطب‌های فرادست داستان، در بیشتر موارد محدود و تابع محدودیت‌هایی است که به دگربودگی او برمی‌گردد. با این حال، مواردی از کنش تعاملی، سازنده و همدلانه‌ی خود/دیگری نیز در این آثار به چشم می‌خورد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان ایران، بازنمایی، داستان، دگربودگی، دیگری.

\* دانشجوی دکتری فلسفه‌ی تعلیم و تربیت amin423@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

\*\* دانشیار مبانی تعلیم و تربیت b.shamshiri@rose.shirazu.ac.ir

### ۱. مقدمه و بیان مسئله

درک ما از خود، محصولی اجتماعی است که در ارتباط با افراد دیگر شکل می‌گیرد. ما خود را در آینه‌ی دیگران می‌یابیم و همیشه به این دیگری برای خودبودن نیاز داریم. از این جهت، شناخت دیگری و پرداختن به ویژگی‌های او برای بسیاری از متفکران اهمیت داشته و البته در هر اندیشه‌ای جلوه‌ای متفاوت از این مفهوم نمایان شده است. «دیگری»<sup>۱</sup> و «دگربودگی»<sup>۲</sup> مفهومی پیچیده هستند و از ابعاد گوناگون می‌توان به بررسی آن‌ها پرداخت؛ اما در این مجال کوتاه، نگاهی گذرا به دیدگاه برخی از اندیشمندانی که در باب این مفهوم پژوهیده‌اند می‌تواند روشنگر باشد.

از نگاه هایدگر<sup>۳</sup> درک ما از اینکه که هستیم حاصل عملکرد ادراک ما از چگونگی تفاوتمان با دیگران است (نک: کلارک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲: ۶۷). ما همواره نگران خودمان و دیگران هستیم و فهم ما از کیستی‌مان در گرو دیگران است؛ اما هایدگر این دیگران را صرفاً افراد یا گروه‌های انسانی نمی‌داند. برای او «دیگری عینیت ندارد و ملموس نیست؛ ولی سلیقه‌ای مشترک را بر همگان تحمیل می‌کند» (هایدگر، ۱۹۶۲: ۶۹).

برای میخائیل باختین<sup>۵</sup> دیگری نقشی اساسی در شناخت خود دارد. از نظر او، ممکن نیست بتوان موجودی را برکنار از مناسباتی که او را با دیگری پیوند می‌دهد به تصویر درآورد؛ وگرنه ما هرگز نمی‌توانیم خود را به‌صورت یک کل ببینیم. وجود دیگری برای آنکه ما حتی به‌طور موقت به مفهومی از خویشتن دست یابیم ضروری است (نک: تودورف<sup>۶</sup>، ۱۳۷۷: ۱۸۰). براساس دیدگاه او، آگاهی انسان از خود، وابسته به آگاهی دیگری است و بازتاب ما در آگاهی دیگران، آگاهی خود ما را شکل می‌دهد. بدین‌سان، او بریدن از دیگران و فاصله‌افتادن بین خود/دیگری را سبب از دست رفتن خود می‌داند.

امانوئل لویناس<sup>۷</sup>، در نوشته‌هایش، به مفهوم دیگری از منظری اخلاقی پرداخته و اخلاق را «فلسفه‌ی اول»<sup>۸</sup> می‌داند؛ به این معنا که مسئولیت در قبال دیگری مقدم بر

<sup>1</sup> other

<sup>2</sup> otherness

<sup>3</sup> Heidegger

<sup>4</sup> Clarck

<sup>5</sup> Mikhail Bakhtin

<sup>6</sup> Todorov

<sup>7</sup> Emmanuelle Levinas

<sup>8</sup> First philosophy

شناخت است. از دید او، مسئولیت ما در برابر دیگری مشتق از سوژه‌بودن ما نیست؛ بلکه برعکس، بناکننده‌ی سوژگی ما در جهان است و من‌بودن من برپایه‌ی مسئولیت من بنا می‌شود (نک: لویناس، ۱۹۸۵: ۱۰۰ و ۱۰۱). تلاش او متوجه برکشیدن دیگری از جایگاه فرودست به مقامی است که همه‌ی هویت و هستی «خود» را وابسته به او سازد و این کار را وظیفه‌ای اخلاقی می‌داند.

از سوی دیگر کلود لوی استراوس<sup>۱</sup> معتقد است مردم در طول تاریخ دو استراتژی را در برخورد با دیگری، خارجی، منحرف یا بیگانه، در پیش گرفته‌اند: ۱. هم‌آمیختگی، مانند حالت هم‌نوع‌خواری<sup>۲</sup> و حذف هرگونه فاصله بین همان<sup>۳</sup> و دیگری؛ ۲. بیرون راندن و بیرون‌نگاهداشتن دیگران، از راه برپایی مرزهای محکم و نهادهای ویژه برای در انزوا نگه‌داشتن آنان (نک: گابریل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸: ۲۱۴)؛ به عبارتی، گفتمان‌های هویت‌بخش در جامعه‌های گوناگون، همواره از راه ایجاد مرزبندی و فاصله‌گذاری میان خودی و غیرخودی شکل می‌گیرند. در این نگاه، دیگری همواره فرودست است و باید از بالا کنترل و به حاشیه رانده شود. در نگاه سارتر<sup>۵</sup> ظهور دیگری در فرآیند شناخت و کشف کشف هستی خود گریزناپذیر است. از دید او، «دیگری وجودی [است] که چون اختیاری در برابر من قرار دارد و اندیشه و تمایل او جز این نیست که موافق یا مخالف من باشد» (سارتر، ۱۳۶۱: ۵۵). به‌همین دلیل، از دید سارتر مناسبت‌های اجتماعی در ذات خود متعارض‌اند و ازاین‌رو است که او نگاهی اضطراب‌آلود به ارتباط خود/دیگری دارد. بااین‌حال، سارتر آزادی را حق همه (خود و دیگران) می‌داند و حتی بالاتر از آن، بر این باور است که «هرکس نسبت به آزادی دیگران مسئولیت دارد» (همان: ۶۸ و ۶۹).

فمینیست‌ها و به‌ویژه سیمون دوبوآر<sup>۶</sup> رابطه‌ی خود/دیگری را در قالب رابطه‌ی زن/مرد تشریح می‌کنند. دوبوآر به بررسی فلسفی و تاریخی فرایندی که مرد را قطب فرادست این ارتباط تعریف و تثبیت کرده است، می‌پردازد. از نظر او، «زن از راه

<sup>۱</sup> Claude Levi -Strauss

<sup>۲</sup> Cannibalism

<sup>۳</sup> same

<sup>۴</sup> Gabriel

<sup>۵</sup> Sartre

<sup>۶</sup> Simon de Beauvoir

ارجاع یافتن به مرد است که تعریف می‌شود و تمایز می‌یابد، نه از راه ارجاع به خودش [...] مرد سوژه و مطلق است، زن دیگری است» (دوبوآر، ۱۹۵۶: ۱۵). از نگاه او، مردان از آنجاکه می‌خواهند سوژه و آزاد باشند، وجود زن را تهدیدی در این مسیر می‌بینند و او را به دیگری بدل می‌کنند.

این بررسی مختصر نشان می‌دهد که نمی‌توان دیگری را به‌سادگی نقطه‌ی مقابل «خود» دانست. هر دوی آن‌ها در رابطه‌ای پیچیده قرار دارند که هرگونه درک ساده‌انگارانه از خود/دیگری، درون/بیرون یا مرکز/حاشیه را کم‌اهمیت می‌سازد. به تعبیر آلن<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، دیگری ماهیتی ثابت و بی‌تغییر نیست؛ دیگری پایگاه و جایگاهی است که ما همه‌ی کیفیت‌های ترس‌آور و نامطلوب درباره‌ی خودمان را، به‌عنوان سوژه‌ی منفرد، گروه‌های اجتماعی یا حتی ملت‌ها، در آن می‌افکنیم. دیگری سازه‌ی فرهنگی است که به‌وسیله‌ی فعالیت‌های تودرتو که وجود ما را شکل می‌دهند، تعیین می‌شود. این سازه‌ها به‌جای نمایاندن ویژگی‌های گوناگون و واقعی هر گروه یا وجودی، بازنمایانگر ارزش‌ها و هنجارهای افراد و گروه‌هایی هستند که این سازه‌ها را شکل می‌دهند و ما درکمان از خویش را به‌واسطه‌ی قائل شدن تمایزهای بین خودمان و آن‌هایی که متفاوت یا غیر از ما هستند، محکم می‌سازیم؛ به‌عبارت دیگر، مفهوم «من» از خلال «نه من»<sup>۲</sup> معنی می‌یابد.

اما ژاک دریدا<sup>۳</sup> با پیش‌کشیدن بنیان‌فکنی، دربرابر ساختارگرایی، کوشید نشان دهد هر حضور خودبسنده تنها از راه کمک و همراهی آنچه از حضور محروم شده، امکان‌پذیر است؛ به‌عبارت دیگر، حضور، ناتوان از معرفی خود است و به آنچه غایب است، نیاز دارد. او همچنین با خوانش بنیان‌فکنانه نشان می‌دهد که وقتی تلاش می‌کنیم معنایی را تثبیت کنیم یا چیزی را منحصر‌به‌فرد، مثبت و موثق نشان دهیم، چگونه به این هدف از راه خاموش کردن یا منفی‌ساختن شکل‌ها یا معناهای متفاوت و متضادی که در مقابل معنای مورد نظر ما قرار دارند دست می‌یابیم<sup>(۱)</sup> (نک: وبستر، ۱۹۹۳: ۱۰۲).

شکی نیست که ادبیات کودک و نوجوان، به‌عنوان ابزاری آموزشی، در کنار تعلیم و تربیت رسمی، در فرآیند شکل‌گیری هویت کودکان اثرگذار است و می‌تواند

<sup>1</sup> Allan

<sup>2</sup> Not-me

<sup>3</sup> Jacques Derrida

زمینه‌ساز شکل‌گیری همزیستی، مدارا، پذیرش و احترام به دیگری در آنان شود. این مسئله با توجه به وضعیت خاص کشورمان از نظر حضور اقوام، نژادها، مذاهب و همچنین پدیده‌ی مهاجرت، آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از توسعه‌ی ناپایدار و عواملی دیگر که زمینه‌ساز پیدایی دیگری و دگربودگی می‌شوند، اهمیت ویژه می‌یابد؛ از این رو، دغدغه و مسئله‌ی این پژوهش، جست‌وجوی میزان توجه به مفهوم دگربودگی در ادبیات کودک و نوجوان ایران است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی سهم و جایگاه دیگری و همچنین شیوه‌ی بازنمایی انواع دگربودگی‌ها در ادبیات کودک و نوجوان ایران است. ردیابی دگربودگی‌های خاموش شده یا به حاشیه رانده‌شده هدف دیگر این تحقیق است.

پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان ایران تا چه حد در آثارشان به مفهوم دیگری توجه نشان داده‌اند؟
۲. به چه دگربودگی‌هایی در ادبیات کودک و نوجوان ایران پرداخته شده و چه دگربودگی‌هایی نادیده گرفته یا حذف شده است؟
۳. کیفیت حضور دیگری و پرداختن به او در ادبیات کودک و نوجوان ایران چگونه است؟ نقش او فرعی است یا اصلی؟ از نظر کنشگری چه مقامی دارد؟

## ۲. پیشینه‌ی پژوهش

در میان پژوهش‌های داخلی به‌زحمت می‌توان نمونه‌ای یافت که به موضوع دیگری یا دگربودگی در ادبیات کودک و نوجوان ایران به‌طور جدی و جامع پرداخته باشد. شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۱) در بررسی چهار کتاب از محمد میرکیانی، به تحلیل مفهوم دیگری مطلوب و نامطلوب پرداخته است. نعیمی (۱۳۸۶) در پی افشای تعریف گفتمان مسلط از کودک است؛ گفتمانی که بر معصومیت کودک اصرار می‌ورزد و هدفش حذف آن بعدِ دیگر از کودک است که سلطه را نمی‌پسندد و می‌خواهد خود باشد. شیخ‌رضایی و همکارانش (بی‌تا) در پژوهشی جامع‌تر به بررسی دو مفهوم دیگری و تفاوت در ۳۴ اثر داستانی ادبیات کودک ایران پرداخته‌اند و در گستره‌ی آن، مقوله‌هایی از دگربودگی و تفاوت را در نمونه‌ی بررسی تحلیل کرده‌اند.

در میان پژوهش‌های انگلیسی‌زبان که به‌لحاظ نظری به دگربودگی در ادبیات کودک پرداخته‌اند، می‌توان به نودلمن<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) اشاره کرد که گفتمان ادبیات کودک را با بررسی دیدگاه‌های ادوارد سعید و مطابقت آن با ویژگی‌های ادبیات کودک، همچون دیگر گفتمان‌ها، امپریالیستی و نوعی استعمارگرایی<sup>۲</sup> می‌داند و ضرورت آگاهی به آن را یادآور می‌شود. کلاوس دودرر<sup>۳</sup> (۱۳۸۳) بازتاب موضوع اقلیت نژادی در ادبیات کودک آلمان را در کانون توجه قرار داده است. جانستون<sup>۴</sup> (۲۰۰۹)، با بررسی آثار بری<sup>۵</sup> و آلموند<sup>۶</sup> نشان می‌دهد دیگری در ادبیات کودک یک دیگری درونی است (مثل دکتر جکیل و آقای هاید، دیو و دلبر یا شاهزاده‌ی قورباغه‌ای) و دلالت بر یک دوگانگی درونی دارد. خزایی (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که چگونه در افسانه‌ی «بلبل سرگشته» و هم‌تاهای انگلیسی و آلمانی آن، سهمگین‌ترین نوع خشونت علیه کودکان، یعنی کودک‌کشی، به تقابل دوگانه‌ی خود/دیگری یا مرکز/حاشیه مرکزیت می‌بخشد و این تقابل را مرکزیت‌زدایی می‌کند. کتاب داستانی تصویری آینه اثر جینی بیکر<sup>۷</sup> (۲۰۱۰)، با طراحی دوکتابی و تنظیم خاص تصویرها، نیز هرچند اثری پژوهشی به شمار نمی‌رود؛ در پیوند با موضوع «دیگری» در ادبیات کودک نمونه‌ای شاخص است. اوموندسن<sup>۸</sup> (۲۰۱۱) با بررسی یک داستان مصور نروژی کودکان، با عنوان *یوهانس جنسن احساس می‌کند متفاوت* (۲۰۰۳)<sup>۹</sup>، به حضور اقلیت‌ها در جامعه‌ی این کشور پرداخته است. لیروپ‌دبراور<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۱) نیز بازنمایی تصویر آفریقایی‌ها و فرهنگ آنان در چند اثر داستانی ادبیات کودک هلند را بررسی کرده است.

<sup>۱</sup> Nodelman

<sup>۲</sup> Colonialism

<sup>۳</sup> Klaus Doderer

<sup>۴</sup> Johnston

<sup>۵</sup> Barrie

<sup>۶</sup> Almond

<sup>۷</sup> Jeannie Baker

<sup>۸</sup> Ommundesen

<sup>۹</sup> *Johannes Jensen føler seg annerledes* [=Johannes Jensen feels different]

<sup>۱۰</sup> Lierop-Debrauwer

## ۳. روش پژوهش

۳-۱. پارادیش<sup>(۲)</sup> (پارادایم) و طرح تحقیق

پارادیش (پارادایم) این پژوهش از نوع کیفی است، با طرح تحقیق غیرپیدایشی<sup>۱</sup>؛ چراکه چراکه نخست شکل‌های گوناگون دگربودگی مشخص شده و سپس در بررسی نمونه‌ها آن مؤلفه‌ها جست‌وجو و تحلیل شده‌اند.

## ۳-۲. نمونه‌گیری

نمی‌توان از ادبیات کودک تعریفی دقیق ارائه کرد، بر تعریف‌های موجود نیز توافقی وجود ندارد. از یک نظر، ادبیات کودک هر چیزی است که کودکان می‌خوانند؛ از جمله شعر، داستان، نمایشنامه و... نگاه دیگر، ادبیات کودک را آن دسته از متن‌هایی می‌داند که برای کودکان نوشته شده‌اند و مخاطب هدفشان کودک است. ملاک کار در این پژوهش، تعریف دوم بوده، با این قید که در این تحقیق تنها ادبیات داستانی بررسی شده است. براین اساس، نمونه‌گیری هدفمند و با رعایت اصل حداکثر تنوع<sup>۲</sup>، در مشورت با چهار تن از کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان ایران، رؤیا مکتبی، مرتضی خسرونژاد، حسین شیخ‌رضایی و حسین شیخ‌الاسلامی، انجام شد و ۲۷ اثر داستانی که مستقیم یا غیرمستقیم در پیوند با دگربودگی بودند به‌عنوان نمونه برگزیده شدند. این آثار عبارت‌اند از: *آغوشت را باز کن* (۱۳۸۴)، *آواره‌ی بی‌خورشید* (۱۳۸۲)، *امشب نخواب آیلاز* (۱۳۷۸)، *بچه‌ی ما میومیو می‌کرد* در *کوپه‌ی یازده و چند داستان دیگر* (۱۳۸۴)، *به ماه نگاه کن* (۱۳۸۵)، *پسرک لبوفروش* در *مجموعه‌ی قصه‌های صمد* (۱۳۸۱)، *تن‌تن و سندباد* (۱۳۷۷)، *جام جهانی در جوادیه* (۱۳۸۲)، *دختر، پرنده و چشم‌هایش* (۱۳۸۳)، *دختری ساکت با پرنده‌های شلوغ* (۱۳۸۵)، *دختری که مونداشت* (۱۳۸۸)، *دو خرمای نارس* در *مجموعه‌داستان دو خرمای نارس* (۱۳۸۴)، *دیوار* (۱۳۸۳)، *رضو، اسدو و خجیجه* در *مجموعه‌داستان بچه‌های قالبیافخانه* (۱۳۸۴)، *زرافه‌ی من آبی است* (۱۳۸۴)، *ستاره‌ای به نام غول* (۱۳۷۸)، *شب‌به‌خیر فرمانده* (۱۳۸۴)، *قصه‌های مجید* (۱۳۸۵)، *«غربتی»* در *مجموعه‌داستان دو خرمای نارس* (۱۳۸۴)، *غول و دوچرخه* (۱۳۸۸)، *کودکان ماه* (۱۳۹۰)، *گواتی* (۱۳۸۲)، *لالایی برای*

<sup>1</sup> Non emergent

<sup>2</sup> Maximum variation

دختر مرده (۱۳۹۰)، مسافر دریا (۱۳۷۲)، مشت بر پوست (۱۳۸۵)، من، خارپشت و عروسکم (۱۳۶۳) و «نمکو» در مجموعه‌داستان بچه‌های قالیباخانه (۱۳۸۴).

### ۳-۳. شیوه‌ی داده‌یابی<sup>۱</sup> و داده‌کاوی<sup>۲</sup>

ابزار گردآوری داده‌ها، چنان‌که میکات و مورهوس<sup>۳</sup> (۱۹۹۴) اشاره کرده‌اند، خود محقق و روش داده‌یابی در این پژوهش اسنادی است. برای پاسخ به پرسش اول و دوم از روش تحلیل محتوای قیاسی (نک: میرینگ، ۲۰۰۰)، با رویکرد توصیفی، و برای یافتن پاسخ پرسش سوم از روش تحلیل محتوای تأملی، با رویکرد توصیفی تفسیری استفاده شده است (نک: بورگ و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۹۱ و ۹۹۲).

### ۳-۴. انواع دیگری

انواع دیگری‌های بررسی شده در این پژوهش عبارتند از: اقلیت‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی، اقلیت‌های نژادی، کودکان بی‌سرپرست یا تک‌سرپرست، تهی‌دستان، دزدان، خارجیان، پناهندگان، کودکان کار، دگراندیشان، بیماران، کم‌توانان یا ناتوانان جسمی، کم‌توانان یا ناتوانان ذهنی، حاشیه‌نشینان، بی‌خانمان‌ها، زنان. البته بررسی زنان به‌عنوان یکی از شکل‌های دگربودگی و مطالعه‌ی شیوه‌ی بازنمایی آن‌ها نیازمند پژوهشی جداگانه است و واکاوی همه‌جانبه‌ی این نوع دگربودگی، اولویت این پژوهش نبوده است؛ زیرا پرداختن به آن در این مجال اندک، ممکن است ما را از بررسی دیگر نمودهای دگربودگی بازدارد؛ باوجوداین، در مطالعه‌ی نمونه‌ها هرچا نمونه‌ای ویژه از آن دیده شده در تحلیل اثر بدان توجه شده و در نتیجه‌گیری نیز آمده است.

### ۴. یافته‌ها

#### ۴-۱. انواع دگربودگی‌های بازنمایی شده

آنچه در تحلیل داستان‌ها نمایان گشت، تنوع دگربودگی‌های بازنمایی شده در برخی از آن‌ها بود؛ بدین معنای، در برخی داستان‌ها شخصیت اصلی، همزمان، بازتاب چندین شکل از دگربودگی بود و در برخی دیگر، چند شخصیت حضور داشتند که هر کدام

<sup>۱</sup> Data collection

<sup>۲</sup> Data analysis

<sup>۳</sup> Maykut and Morehouse



نمودی از یک یا چند دگربودگی بودند. به همین دلیل، دسته‌بندی ساده‌ای برای نشان‌دادن این موضوع می‌تواند ما را در شناخت بهتر نمونه‌های بررسی‌شده، اندکی یاری رساند. در این دسته‌بندی، افزون‌بر شخصیت‌های اصلی هر داستان، برخی شخصیت‌های فرعی نیز در نظر گرفته شده‌اند. تعدادی از این دگربودگی‌ها، به‌عنوان درون‌مایه‌ی اصلی و آشکار داستان‌ها، شناسایی شده‌اند. برخی نیز درون‌مایه‌ی فرعی بوده‌اند یا اینکه در بررسی متن آثار چنین برداشتی برای پژوهشگر حاصل شده است.

جدول شماره‌ی ۱: دسته‌بندی داستان‌ها براساس انواع دگربودگی یافته‌شده

| شماره | انواع دگربودگی              | داستان‌ها   |
|-------|-----------------------------|---|
| ۱     | اقلیت‌های قومی              | به ماه نگاه کن، «دو خرمای نارس»، گواتی، «پسرک لبوفروش»  |
| ۲     | بیماران                     | کودکان ماه، گواتی، «بچه‌ی ما میومیو می‌کرد»   |
| ۳     | پناهندگان                   | آواره‌ی بی‌خورشید، جام جهانی در جوادیه  |
| ۴     | تهی‌دستان                   | «دو خرمای نارس»، گواتی، لالایی برای دختر مرده، قصه‌های مجید، «نمکو»، «رضو، اسدو و خجیجه»، مسافر دریا، من، خارپشت و عروسکم، امشب ن خواب آیلا، «پسرک لبوفروش» |
| ۵     | حاشیه‌نشینان                | لالایی برای دختر مرده، مسافر دریا، به ماه نگاه کن، گواتی، «دو خرمای نارس»   |
| ۶     | خارجی‌ها                    | به ماه نگاه کن، تن‌تن و سندباد، جام جهانی در جوادیه، مسافر دریا   |
| ۷     | دزدان                       | غول و دوچرخه  |
| ۸     | دگراندیشان                  | زرافه‌ی من آبی است، آغوشت را باز کن، لالایی برای دختر مرده  |
| ۹     | زنان / دختران               | گواتی، «دو خرمای نارس»، لالایی برای دختر مرده، «رضو، اسدو و خجیجه»  |
| ۱۰    | کم‌توانان/ ناتوانان ذهنی    | «بچه‌ی ما میومیو می‌کرد»، ستاره‌ای به نام غول، دیوار  |
| ۱۱    | کم‌توانان/ ناتوانان جسمی    | آغوشت را باز کن، دختری که مو نداشت، شب‌به‌خیر فرمانده، دختر، پرنده و چشم‌هایش، کودکان ماه، دختری ساکت با پرنده‌های شلوغ، دیوار                              |
| ۱۲    | کودکان بی‌سرپرست/ تک‌سرپرست | من، خارپشت و عروسکم، مشت بر پوست، شب‌به‌خیر فرمانده، «پسرک لبوفروش»، قصه‌های مجید، «نمکو»، «رضو، اسدو و خجیجه»  |
| ۱۳    | کودکان کار                  | «پسرک لبوفروش»، امشب ن خواب آیلا، مشت بر پوست، «نمکو»، «رضو، اسدو و خجیجه»، «غربتی»، آواره‌ی بی‌خورشید، مسافر دریا  |

در نمونه‌های بررسی شده، تهی‌دستان، به‌عنوان شکلی از دگربودگی، از نظر میزان حضور در نمونه‌ها در رتبه‌ی نخست و پس از آن کم‌توانان یا ناتوانان جسمی قرار می‌گیرند. دزدان نیز کمترین میزان بازنمایی را دارند. ناگفته پیداست که چنین رتبه‌بندی‌های عددی بیانگر همه‌ی جنبه‌ها و ویژگی‌های یک پدیده نیست؛ از این‌رو، پرداختن به نحوه‌ی بازنمایی هریک از دگربودگی‌های به‌چشم‌آمده در داستان‌ها برای رسیدن به درکی درست‌تر از جلوه‌های دگربودگی در ادبیات کودک و نوجوان ایران سودمند خواهد بود.

#### ۴-۲. چگونگی بازنمایی دیگری/دگربودگی

در این بخش، شیوه‌ی بازنمایی سیزده شکل از انواع دگربودگی بررسی شده در این تحقیق را که در جدول شماره‌ی ۱ نشان داده شده است، مرور می‌کنیم. از آنجاکه اقلیت‌های قومی در ایران بیشتر در نواحی حاشیه‌ای زندگی می‌کنند و نیز باتوجه به اینکه در میان نمونه‌ها تنها یک مورد از حاشیه‌نشینی شهری وجود داشت، در بررسی زیر اقلیت‌های قومی و حاشیه‌نشینان در یک جا آورده شده‌اند.

۴-۲-۱. اقلیت‌های قومی و حاشیه‌نشینان. به‌جز داستان *به ماه نگاه کن*، در چهار داستانی که موضوع اصلی یا فرعی آن‌ها اقلیت قومی و حاشیه‌نشینان است، این دگربودگی با محرومیت، فقر، بیماری، بی‌سوادی و مورد سوء استفاده قرارگرفتن در پیوند است. در این داستان‌ها، هدف نویسندگان نشان‌دادن وضعیت دشوار زندگی و محرومیت‌های اقلیت‌های قومی و حاشیه‌نشینان بوده است و کوشیده‌اند صدای این مردم را در آثارشان بازتاب دهند. کنش شخصیت‌های این داستان‌ها به‌دلیل وضعیت جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادیشان محدود و گاه تقریباً هیچ است؛ به‌طوری که گاه هویت انسانی آن‌ها فراموش می‌شود. در *مسافر دریا* و *پسرک لب‌فروش* کنش شخصیت‌ها بیشتر است و نشان از عزت‌نفس و طبع بلند شخصیت اصلی اثر دارد؛ اما در *به ماه نگاه کن* قضیه گونه‌ای دیگر است؛ در این داستان خبری از محرومیت‌ها نیست و جدای از قصه، تصویرهای زیبا و رنگارنگ کتاب بازتاب فرهنگ، مردم‌شناسی و آداب مردمان ترکمن است و به‌عنوان ابزاری برای شناساندن این اقلیت قومی به مخاطب به کار رفته است.

۴-۲-۲. **بیماران.** هر سه داستانی که این دگربودگی را دست‌مایه‌ی خود ساخته‌اند، واقع‌گرا هستند؛ اما *کودکان ماه* به تخیل نزدیک می‌شود. بیماری در همه‌ی این آثار، واقعیتی پذیرفته شده است؛ تاجایی که فرجام احتمالی بیماری، یعنی مرگ، نیز در هر سه داستان آمده است.

«بچه‌ی ما میومیو می‌کرد» توصیف ویژگی‌های فیزیکی و رفتاری کودکان عقب‌افتاده‌ی ذهنی است و در عین حال، مشکلات روحی و اجتماعی خانواده‌ی این بیماران را نیز بیان می‌کند. در *گواتی* نیز به بروز بیرونی گواتر و نیز تصور عوام از علت این بیماری پرداخته شده، همچنین، شیوع این بیماری در دختران بخشی از ایران گوشزد شده است. در *کودکان ماه* بیماران را دور از مردم دیگر و در فضای بسته‌ی بیمارستان می‌بینیم و فقط کنش آن‌ها باهم را شاهدیم. در هر سه داستان، افراد سالم برای کمک و حمایت از فرد بیمار تلاش می‌کنند؛ اما در *گواتی* بیشتر دلسوزی دیده می‌شود.

۴-۲-۳. **پناهندگان.** پناهندگان فقط در رمان نوجوان حضور دارند. در داستان *آواری بی‌خورشید* پناهندگان، انسان‌هایی فرودست هستند که پذیرفته نمی‌شوند و جایی در سرزمین جدید ندارند. در این داستان، نویسنده در پی همدلی با پناهندگان افغان و نشان دادن بی‌انصافی مردم کشور میزبان در حق آن‌هاست. در داستان دوم، *جام جهانی* در *جوادیه*، پناهندگان موضوع اصلی نیستند؛ ولی به‌عنوان بخشی از افراد داستان حضور دارند. در مجموع، رفتار همه‌ی شخصیت‌های این داستان با پناهندگان نوجوان افغان دوستانه و از سر احترام است و در پی بهبود وضعیت زندگی آنانند؛ هرچند، در پایان، ترحم جای تعامل و کمک را می‌گیرد.

کنش شخصیت‌های پناهنده متفاوت است. در *آواری بی‌خورشید* کنش میان خود/دیگری از نوع تضاد است؛ زیرا هر دو دچار خودمرکزبینی هستند و گفت‌وگوی سازنده‌ای شکل نمی‌گیرد. در *مسافر دریا* کنش دیگری برای پذیرفته‌شدن در جامعه‌ای که او در آن بیگانه است عقیم می‌ماند. در داستان *جام جهانی* در *جوادیه* کنش دیگری در سایه‌ی لطف و فداکاری مرکز یا میزبان امکان‌پذیر می‌شود و دیگری به‌نوعی وامدار یا مدیون اوست.

۴-۲-۴. **تهی‌دستان.** بازنمایی فقر در ادبیات کودک و نوجوان ایران، واقع‌گرایانه، تلخ،

گزنده و همراه با نشان دادن آسیب‌ها و دگربودگی‌های دیگر است؛ البته، در قصه‌های مجید و مشت بر پوست شدت این گزندگی کمتر است و تمهید نویسنده در افزودن طنز به داستان از تلخی واقعیت و فقر می‌کاهد. در قصه‌های مجید، فقر و درحاشیه‌بودن، کنش قهرمان نوجوان را از بین نمی‌برد و مانع کوشش او برای بهبود وضع زندگی و آسان‌ساختن تحمل وضعیت نمی‌شود. در مشت بر پوست نیز شاهد سیر رشد شخصیت اصلی داستان و هویت‌یابی او با وجود فقر و دیگری‌بودن هستیم. داستان *مسافر دریا* و «پسرک لب‌فروش» نیز، چنان‌که بررسی شد، نشان از کنش شخصیت هر دو قصه برای ادامه‌ی زندگی، بهبود وضعیت و حفظ خانواده دارد. در نمونه‌های دیگر، فقر و وضعیت هم‌پیوند با آن مجال‌ی برای کنش یا به‌نتیجه‌رسیدن کنش‌های محدود باقی نمی‌گذارد.

۴-۲-۵. **خارجی‌ها.** رابطه‌ی دشمنی یا تضاد و دوستی خود/دیگری سهم مساوی در نمونه‌های بررسی شده دارند. در دو داستان *تن‌تن* و *سندباد* و *مسافر دریا* الگوی تضاد، و در دو داستان *به ماه نگاه کن* و *جام جهانی در جوادیه* الگوی دوستی خود/دیگری دیده می‌شود.

در *تن‌تن* و *سندباد*، تلاش هر دو سوی تقابل، حذف دیگری است و خارجی‌ها خطرناک، مهاجم، فرصت‌طلب و حيله‌گر نشان داده می‌شوند؛ ضمن اینکه در این داستان شاهد بدبینی نویسنده‌ی ادبیات نوجوان ایران (خود) به ادبیات نوجوان غیرایرانی (دیگری) هستیم. در این داستان رویارویی خود/دیگری از همان آغاز، لحن خصمانه دارد و این تضاد تا پایان ادامه می‌یابد. در *مسافر دریا* نیز چنین است؛ اما هدف حذف دیگری نیست؛ بلکه تنها باید بیرون از دایره‌ی خود و در حاشیه بماند تا خطری «خود» را تهدید نکند.

در *جام جهانی در جوادیه* خود و دیگری گفت‌وگو می‌کنند و بین آن دو تعامل وجود دارد. در این داستان، یادگیری زبان و فرهنگ، زمینه‌ای را برای درک جامعه‌ی بیگانه از سوی شخصیت خارجی فراهم می‌سازد و شخصیت ایرانی نیز او را می‌پذیرد. در *به ماه نگاه کن* نیز الگوی دوستی هویدا است؛ اما خارجی در برابر ایرانی، فرودست، کم‌کنش، کم‌دانش و با هوش کمتر بازنمایی می‌شود.

۴-۲-۶. **دزدان.** از میان همه‌ی بزهکاران، تنها به دزدان در این نمونه‌ها برمی‌خوریم. دزد داستان *غول* و *دوچرخه* شخصیتی فرعی است و ما شاهد تلاش شخصیت‌های

دیگر برای کمک به او هستیم؛ به عبارتی، شخصیت بزهاکاران، به‌خصوص بزهاکاران زیر سن قانونی یا کودکان بزهاکار، در داستان‌ها نمودی ندارند و در تنها داستانی که به این مسئله برمی‌خوریم، شخصیت بزهاکار محور داستان نیست و نمی‌دانیم چرا دست به دزدی زده است.

۴-۲-۷. **دگراندیشان.** بازنمایی دگراندیشی و دگرباشی را در سه نمونه می‌توان شناسایی کرد. در *آغوشت را باز کن* پذیرش دگربودگی را شاهدیم و در *زرافه‌ی من آبی است*، مخالفت و فشار برای هم‌رنگی به چشم می‌خورد. در داستان نخست، مرکز بر دیگری چیزی را تحمیل نمی‌کند و اصراری بر پیروی دیگری از هنجارهای خود ندارد. فانتزی و نمادین‌بودن این داستان راه را برای تفسیرهای گوناگون می‌گشاید و حتی می‌توان این خواستِ دیگربودن را بازنمایی دگرباشی جنسی نیز تفسیر کرد. در داستان دوم، مرکز سعی می‌کند دگربودگی دیگری را تبدیل به همان کند و او را هم‌رنگ خویش سازد. شخصیت پدر در *رمان لالایی برای دختر مرده* که نویسنده‌ای است با دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی و نگاه متفاوت، در مجتمعی مسکونی در حاشیه‌ی شهر، نوعی ناکجاآباد، زندگی می‌کند؛ ولی از دگراندیشی و آرمان‌هایش دست برنمی‌دارد.

۴-۲-۸. **زنان یا دختران<sup>(۳)</sup>.** همان‌گونه که پیشتر آمد، بررسی مقوله‌ی دگربودگی زنان در ادبیات کودک و نوجوان، تحقیقی جدا و فراگیر می‌طلبد؛ اما بررسی نمونه‌های این تحقیق در پیوند با این دگربودگی نشان می‌دهد که در بافت داستان‌ها، زنان در برابر مردان حضوری دست دوم دارند و خواسته یا ناخواسته فرودست هستند. کنش آنان زیر تأثیر کنش مردان و بسیار محدود و کنترل شده است. بیشتر نمونه‌ها دگربودگی زنان روستایی را بازنمایی کرده‌اند؛ اما *لالایی برای دختر مرده* دگربودگی زنان را در جامعه‌ی شهری و خانوادگی حاشیه‌نشین و مردسالار نشان می‌دهد.

۴-۲-۹. **کم‌توانان یا ناتوانان جسمی.** از میان هشت نمونه‌ای که در آن‌ها می‌توان نشانی از کم‌توانان یا ناتوانان جسمی دید، به‌جز یک اثر، داستان‌های دیگر درباره‌ی شخصیت‌های انسانی هستند که از بین آن‌ها نیز در یک مورد به معلولیت در حاشیه‌ی داستان پرداخته شده است. بیشترین نوع معلولیت، نابینایی است که مربوط به دختر، پرنده و چشم‌هایش و *کودکان ماه* می‌شود؛ البته موضوع اصلی داستان دوم، چیزی جز

معلولیت است. به دلیل بروز معلولیت، به جز در دو داستان *کودکان ماه* و *شب‌به‌خیر فرمانده*، اشاره نشده و فقط عوارض آن بیان شده است. در *دختری ساکت با پرنده‌های شلوغ* و *دختر، پرنده و چشم‌هایش*، معلولیت به صورت عاملی بازدارنده بازنمایی نشده و برعکس شخصیت اصلی صاحب نیرو یا توانایی خاص و فوق بشری نشان داده شده است. رفتار و واکنش منفی افراد سالم به معلولیت یا نقص جسمی شخصیت‌ها تنها در داستان *دختری که مونداشت دیده می‌شود*. بازنمایی واقع‌گرایانه‌ی موقعیت سخت و محدودکننده‌ی معلولیت بیش از همه در *دیوار* بازنمایی شده، ضمن اینکه توانایی فردی با معلولیت جسمی و ذهنی در کنارهم به شکلی طبیعی‌تر و نزدیک‌تر به واقعیت نشان داده شده است.

۴- ۲- ۱۰. **کم‌توانان و ناتوانان ذهنی**. سه داستانی که به افراد با ناتوانی ذهنی می‌پردازند، سه بازنمایی متفاوت از این دگربودگی به دست می‌دهند. در «*بچه‌ی ما میومیو می‌کرد*»، ناتوانی این افراد در برقراری ارتباط و درک دنیای پیرامونشان و نیز مشکلات خانواده‌هایی با این‌گونه فرزندان، از زبان شخصی به‌جز فرد ناتوان، ولی در ارتباط با او بازتاب داده شده است. این داستان نشان می‌دهد که حضور کودکی با ناتوانی ذهنی شدید چگونه خانواده‌ای را که تا دیروز مانند بقیه بود به دیگری تبدیل می‌کند.

در نوع دوم بازتاب این دگربودگی، که در *دیوار* به چشم می‌خورد، راوی به درون ذهن فرد معلول می‌رود و احساسات و تصورات او را برای مخاطب بیان می‌کند. در این شکل از بازنمایی، بر توان و استعداد این کودکان در برقراری ارتباط و بیان احساساتشان از راهی به‌جز سخن و به کمک زبان هنر تأکید شده است.

در نوع سوم، یعنی *ستاره‌ای به نام غول*، ناتوانی ذهنی چندان شدید نیست؛ اما در کنار تفاوت ظاهری سبب می‌شود فرد از سوی مردم عادی به یک دیگری تبدیل شود. این رمان درعین‌حال، روند پذیرش دگربودگی و تفاوت را نیز شرح می‌دهد.

۴- ۲- ۱۱. **کودکان بی‌سرپرست یا تک‌سرپرست**. به نظر می‌رسد این نوع دگربودگی درون‌مایه‌ی اصلی هیچ‌یک از نمونه‌های بررسی شده نیست و در هر داستان در کنار نوعی دیگر از محرومیت، به‌عنوان درون‌مایه‌ی اصلی، به‌ویژه فقر، می‌توان این دگربودگی را نیز با شدت و ضعفی متفاوت شناسایی کرد. مطالعه‌ی نمونه‌ها نشان

می‌دهد که به‌طور کلی این دگربودگی موجب سوءاستفاده و بدرفتاری اطرافیان، بازماندن از تحصیل، فقر، کمبودهای عاطفی و حتی مرگ می‌شود. با وجود این آسیب‌ها، در برخی داستان‌ها، همچون: *قصه‌های مجید* و *مشت بر پوست*، وجود کسانی دیگر جز پدر یا مادر، به‌عنوان حامی، سرپرست یا راهنما، از شدت این آسیب‌ها می‌کاهد.

۴-۲-۱۲. *کودکان کار*. طبق تعریف کنوانسیون حقوق کودک<sup>۱</sup>، هر فرد زیر هجده سال کودک شمرده می‌شود و بنابه تعریف سازمان جهانی کار<sup>۲</sup> (۲۰۱۲)، کار کودک عبارت است از: به‌کارگیری کودکان در هر کاری که آنان را از کودکی‌شان محروم می‌سازد، مانع تحصیل آنان می‌شود یا در روند تحصیل آنان مشکل ایجاد می‌کند و سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی آنان را به خطر می‌اندازد.

کودکان در سه داستان «پسرک لبوفروش»، *مشت بر پوست* و *مسافر دریا* به بازماندن از تحصیل یا بروز مشکل در جریان تحصیل، به‌عنوان یکی از پیامدهای کار، آشکارا اشاره می‌شود و در داستان‌های دیگر نیز، که به‌طور مستقیم به این مسئله اشاره نشده، می‌توان از وضعیت زندگی شخصیت‌ها پی برد که فرصت تحصیل از آن‌ها گرفته شده است؛ البته در *امشب نخواب آیلا* نمی‌توان ردی از این موضوع پیدا کرد.

تهدید سلامت جسمی و روانی کودکان کار در همه‌ی داستان‌های مربوط به این مقوله دیده می‌شود و در یک اثر، «نمکو»، نیز به مرگ می‌انجامد. این اتفاق در زمان کار رخ نمی‌دهد؛ اما نتیجه‌ی وضعیت سخت محیط کار است. در یک داستان نیز یکی از شخصیت‌ها برای رهایی از فلاکت و سختی‌های کار در وضعیت زجرآوری دست به خودکشی می‌زند که به مرگ نمی‌انجامد (رضو، *اسدو و خجیجه*). در داستان «رضو، اسدو و خجیجه» نیز نتیجه و اثر کار سخت در زمان کودکی، بر جسم و جان زنان در بزرگسالی به‌صورت نقص عضو و سرانجام مرگ نشان داده شده است.

عواملی که به‌دلیل آن‌ها کودک ناگزیر از کار کردن است، تنوع دارد. در *مشت بر پوست*، «پسرک لبوفروش» و *مسافر دریا* مرگ یا نبودن پدر، در *امشب نخواب آیلا*، اعتیاد پدر، در *آواره‌ی بی‌خورشید* جنگ و مهاجرت و در دو داستان «نمکو» و «رضو، اسدو و خجیجه» فقر خانواده سبب می‌شود که کودکان مجبور به کار کردن شوند.

<sup>۱</sup> Convention on the Rights of Children

<sup>۲</sup> International Labor Organization (ILO)

به جز در *امشب نخواب آیلار*، در همه‌ی نمونه‌ها شخصیت‌های اصلی پسر، کودک کار هستند و در دو داستان مجموعه‌ی *بچه‌های قالیباخانه* دختران و پسران در کنار هم مجبور به کار سخت و زیان‌آورند. فرجام برخی شخصیت‌هایی که می‌توان آن‌ها را در زمره‌ی کودکان کار دانست، نیک است و تا حدی به واسطه‌ی کنش خود کامیاب می‌شوند؛ اما مشخص است که آن‌ها از کودکی کردن محروم مانده‌اند.

#### ۴-۳. تحلیل رابطه‌ی خود/دیگری و شیوه‌ی کنش دیگری

در جدول شماره‌ی ۲ ضمن معرفی شخصیت‌های «دیگری» در داستان‌ها، رابطه و چگونگی رویارویی قطب/قطب‌های فرادست داستان با «دیگری» به‌طور مختصر نشان داده شده است. افزون بر این، شیوه‌ی کنش دیگری در برابر قطب فرادست نیز آورده شده تا نمایانگر میزان توانایی یا ناتوانی او در برقراری ارتباط، واکنش متقابل یا تغییر وضع موجود به نفع خود باشد. نگاهی به جدول زیر نشان می‌دهد رابطه‌ی خود/دیگری در ادبیات کودک و نوجوان ایران بیشتر براساس تضاد و تعارض بازنمایی شده است.

جدول شماره‌ی ۲: تحلیل رابطه‌ی خود/دیگری در داستان‌ها و شیوه‌ی کنش دیگری

| مخاطب  | میزان یا نوع کنشگری دیگری                                   | کنش شخصیت‌های فرادست       | نوع دگربودگی           | دیگری داستان      |                     |
|--------|---|----------------------------|------------------------|-------------------|---------------------|
|        |   |                            |                        | فرادست            | نام داستان          |
| نوجوان | کنش محدود به عالم تخیل است و در برابر اکثریت، مغلوب می‌شود. | تحقیر، سرزنش و تضاد        | تک/ بی‌سرپرست، تهی‌دست | دختر (بی‌نام)     | من، خارپشت و عروسکم |
|        |   |                            |                        | معلم/ هم‌کلاسی‌ها |                     |
| کودک   | کنش همه‌جانبه برای رسیدن به هدف                             | همدلی، پذیرندگی و همراهی   | نقص جسمی، دگرباش جنسی  | میمون بی‌دم       | آغوشت را بازکن      |
|        |   |                            |                        | دیگر میمون‌ها     |                     |
| نوجوان | بدون کنش، پناه‌بردن به تنهایی                               | بی‌تفاوتی و نپذیرفتن دیگری | نقص بدنی               | دختر بی‌مو        | دختری که مورنا/ثت   |
|        |   |                            |                        | مردم              |                     |
| نوجوان | کنش برای رسیدن به هدف و نگهداری خانواده                     | همدلی، دیگرپذیری، گفت‌وگو  | کودک کار اقلیت قومی    | تاری‌وردی         | «پسرک لبوفروش»      |
|        |   |                            |                        | معلم/دیگر بچه‌ها  |                     |
| نوجوان | بدون کنش و تسلیم در برابر رخدادها                           | سودجویانه، بدون همدلی      | تهی‌دست، حاشیه‌نشین    | سهراب             | «دو خرمای نارس»     |
|        |   |                            |                        | مشتری‌ها          |                     |



| مخاطب  | میزان یا نوع کنشگری دیگری  | کنش شخصیت‌های فرادست   | نوع دگربودگی                   | دیگری داستان        |                        |
|--------|--|--|--------------------------------|---------------------|------------------------|
|        |  |  |                                | فرادست              | نام داستان             |
| نوجوان | فداکاری، کنشگر برای خوش حالی دیگران، اما مغلوب پدر می‌شود.             | سودجویی، بی‌توجهی  | کودک کار                       | آیلار               | امشب<br>نخواب<br>آیلار |
|        |  |  |                                | پدرش                |                        |
| نوجوان | تسلیم در برابر رخدادها- در پایان قدری کنشگر است.                       | آمیزه‌ای از محبت و سلطه‌جویی مردسالار                              | زن، تهی‌دست، حاشیه‌نشین، بیمار | زرگل                | گواتی                  |
|        |  |  |                                | شوهر پیرش           |                        |
| نوجوان | اعتراض و ایستادگی او برابر کارفرمایش به اخراج او می‌انجامد.            | سلطه‌جویی، سودجویی و ستمگری  | کارگر تهی‌دست                  | اسدو                | «رضو، اسدو و خجیجه»    |
|        |  |  |                                | کارفرماها           |                        |
| نوجوان | با وجود تعامل خود/ دیگری، دیگری نسبت به «خود» کنش کمتری دارد.          | گفت‌وگو و دوستی  | خارجی                          | گل جمال             | به ماه نگاه کن         |
|        |  |  |                                | لیلا دختر ایرانی    |                        |
| نوجوان | بدون کنش است، سخنی نمی‌گوید و کاملاً در حاشیه است.                     | از سوی بزرگ‌سال: تعارض و طردشدن از سوی دختر: همدلی و احساس مسئولیت | کودک کار                       | پسر کارگر (بی‌نام)  | «غربتی»                |
|        |  |  |                                | دختر و مادرش        |                        |
| کودک   | بازی کردن در تنهایی، دل‌تنگی برای مادر، پناه‌بردن به تخیل              | مهربانی و دلسوزی   | معلول، تک‌سرپرست               | پسر معلول ایرانی    | شب‌به‌خیر فرمانده      |
|        |  |  |                                | بزرگ‌ترها           |                        |
| کودک   | کنش دیگری نیز ابتدا معطوف به حذف است؛ اما در ادامه به دوستی می‌انجامد. | سیر تحول از دگرسازی، دشمنی و تلاش برای حذف به سوی دوستی و صلح      | خارجی، کم‌توان حرکتی           | پسر معلول دشمن      | شب‌به‌خیر فرمانده      |
|        |  |  |                                | پسر معلول ایرانی    |                        |
| نوجوان | کنش شخصیت به موفقیت می‌انجامد.   | تحقیر و عدم‌پذیرش  | تک‌سرپرست، کودک کار            | موشو                | مشت بر پوست            |
|        |  |  |                                | مردم                |                        |
| نوجوان | کنش بی‌نتیجه می‌ماند و حتی به مرگ می‌انجامد.                           | سودجویی و خشونت  | کودکان کار، تهی‌دست، بی‌سرپرست | نمکو و صفرو         | «نمکو»                 |
|        |  |  |                                | کارفرما             |                        |
| نوجوان | دادخواهی و اعتراضش به ضررش تمام می‌شود. مردم هم با او همراهی نمی‌کنند. | سلطه‌جویی و خشونت  | تهی‌دست                        | یداله               | «نمکو»                 |
|        |  |  |                                | کدخدا و مباشر سرهنگ |                        |

| مخاطب  | میزان یا نوع<br>کنشگری دیگری  | کنش شخصیت‌های<br>فرداست  | نوع<br>دگربودگی                           | دیگری داستان                 |                                |
|--------|---|--|---|------------------------------|--------------------------------|
|        |   |  |   | فرداست                       | نام<br>داستان                  |
| کودک   | در آغاز سعی در اصالت<br>دارد؛ اما تسلیم فشار<br>گروه می‌شود.          | تعارض، تمسخر، فشار<br>برای هم‌رنگی                                 | دگراندیش                                  | بینا                         | زرافه‌ی من<br>آبی است          |
|        |   |  |   | گروه هم‌سالان                |                                |
| نوجوان | تخریب و آزار<br>ناآگاهانه، ناتوانی در<br>درک و گفت‌وگو،<br>تعارض عمیق | حمایت و تحمل<br>(خانواده)<br>ترس و عدم پذیرش<br>(مردم و همسایه‌ها) | بیمار، ناتوان<br>ذهنی                     | کودک مبتلا به<br>سندرم داون  | «بچه‌ی ما<br>میومبو<br>می‌کرد» |
|        |   |  |   | خانواده، مردم و<br>همسایه‌ها |                                |
| نوجوان | گوشه‌گیری،<br>خیال‌پردازی و فرار<br>از خانه                           | بی‌توجهی و بی‌تفاوتی   | زن  | زهره                         | لالایی برای<br>دختر مرده       |
|        |   |  |   | پدرش<br>وبرادرانش            |                                |
| نوجوان | بدون کنش  | سودجویی و ستم  | زن، تهی‌دست،<br>حاشیه‌نشین و<br>کودک کار  | حکیمه                        | لالایی برای<br>دختر مرده       |
|        |   |  |   | کارفرما                      |                                |
| نوجوان | مهربانی، کمک<br>ساده‌دلانه و بدون<br>چشم‌داشت، خواست<br>احترام        | سیر تحول از تحقیر و<br>آزار به دوستی و<br>حمایت و احترام           | تفاوت<br>ظاهری و<br>بدنی، کم‌توان<br>ذهنی | آقا رضا                      | ستاره‌ای به<br>نام غول         |
|        |   |  |   | بچه‌های محله                 |                                |
| نوجوان | تقریباً زیر تأثیر و وابسته<br>به مرکز، کنش منفعلانه                   | دیگرپذیری، فداکاری،<br>حمایت و دوستی                               | خارجی و<br>پناهنده                        | بچه‌های افغانی               | جام جهانی<br>در جوادیه         |
|        |   |  |   | بچه‌های ایرانی               |                                |
| نوجوان | مشتاق شناخت دیگری<br>و فرهنگ و زبان او با<br>هدف ارتباط               | دوستی، همکاری و<br>گفت‌وگو   | خارجی                                     | الکس                         | جام جهانی<br>در جوادیه         |
|        |   |  |   | ایرانی‌ها                    |                                |
| کودک   | کاملاً مستقل و متکی<br>به توانایی‌های خود                             | پذیرش دیگری بدون<br>توجه به تفاوت او                               | معلول                                     | دختر نابینا                  | دختر، پرنده<br>و چشم‌هایش      |
|        |   |  |   | مردم روستا                   |                                |
| نوجوان | کوشش او برای پذیرفته<br>شدن نتیجه نمی‌دهد.                            | طردشدن و عدم<br>پذیرش  | خارجی                                     | مجیب                         | مسافر دریا                     |
|        |   |  |   | عبداله و مادرش               |                                |
| نوجوان | پیگیری و کوشش برای<br>رسیدن به هدف و تغییر<br>وضعیت                   | نوسان بین پذیرش،<br>طردشدگی و سرکوب                                | تهی‌دست،<br>نداشتن پدر و<br>مادر          | مجید                         | قصه‌های<br>مجید                |
|        |   |  |   | دیگر آدم‌های<br>قصه          |                                |

| مخاطب  | میزان یا نوع<br>کنشگری دیگری  | کنش شخصیت‌های<br>فرا دست   | نوع<br>دگربودگی                 | دیگری داستان         |                                |
|--------|---|--|---------------------------------|----------------------|--------------------------------|
|        |   |  |                                 | فرا دست              | نام<br>داستان                  |
| نوجوان | خودمرکزبینی، ناتوانی در<br>برقراری ارتباط با محیط<br>نو و گاه افغان‌های<br>دیگر، موفقیت در<br>ارتباط با هم‌وطنی<br>بزرگ‌سال | تضاد، تحقیر، طرد و<br>گاه پذیرش (از سوی<br>ایرانی‌ها)<br>دشمنی و تضاد (از<br>سوی پشتوها) | خارجی،<br>پناهنده<br>اقلیت قومی | بومان                | آواره‌ی<br>بی‌خورشید           |
|        |   |  |                                 | ایرانی‌ها/<br>پشتوها |                                |
| کودک   | به‌جز اقدام به دزدی<br>تقریباً بدون کنش است.  | سیر تحول از تضاد به<br>همدلی و حمایت   | دزد-کودک<br>بزهکار              | پسرک دزد             | غول و<br>دوچرخه                |
|        |   |  |                                 | درسا و پدرش          |                                |
| نوجوان | کنش تمام عیار برای<br>تسلط  | تضاد و دشمنی   | خارجی‌ها                        | تن‌تن و گروهش        | تن‌تن و<br>سندباد              |
|        |   |  |                                 | سندباد و یاران       |                                |
| کودک   | کنش‌گری بر پایه‌ی<br>نیروی فراانسانی و<br>جادویی است.   | دوستی، پذیرندگی و<br>حتی پیروی از دیگری  | معلول                           | گلنسا                | دختری<br>ساکت با<br>پرنده‌هایش |
|        |   |  |                                 | دیگر بچه‌ها          |                                |

### ۵. جمع‌بندی

تعداد کم آثار معرفی شده از سوی کارشناسانی که برای نمونه‌گیری از کمکشان استفاده شده و نیز شباهت نسبی فهرست‌های ارائه شده از سوی آنان، نشان می‌دهد که سهم «دیگری» در ادبیات کودک و نوجوان کشورمان ناچیز است. بنا نیست در این تحقیق عدد و رقم ملاک ارزیابی قرارگیرد؛ اما تعداد اندک نمونه‌های معرفی شده در مقایسه با تعداد آثاری که طی چند دهه‌ی گذشته برای کودک و نوجوان تولید شده است، نشان می‌دهد نویسندگان کودک و نوجوان کشورمان بسیار کم به موضوع‌های مربوط با مفهوم دیگری و دگربودگی پرداخته‌اند و آثاری که درون‌مایه‌ی آن‌ها انواع دگربودگی باشد، بسیار کم‌شمارند.

در پاسخ به پرسش دوم باید گفت از میان انواع دگربودگی‌های مشخص شده، به‌جز اقلیت‌های مذهبی، اقلیت‌های نژادی و بی‌خانمان‌ها، بقیه در نمونه‌های مطالعه شده، به چشم می‌خورد، هرچند کیفیت بازنمایی انواع دگربودگی‌ها باهم متفاوت است. دگربودگی‌هایی که یافت نشد را می‌توان به‌عنوان موضوع یا درون‌مایه‌ی تهی، در پیوند با مفهوم دگربودگی، در ادبیات کودک و نوجوان ایران نام برد<sup>(۴)</sup>.

پرسش سوم به کیفیت حضور دیگری در این داستان‌ها مربوط می‌شود. از آنجاکه نمونه‌گیری هدفمند بوده است و همه‌ی آثار با مفهوم دگربودگی به‌طور مستقیم ارتباط دارند، همه‌ی شخصیت‌های اصلی داستان‌ها دیگری هستند و از این جهت در نمونه‌ها نقش اصلی دارند، هرچند شخصیت‌های «دیگری» فرعی نیز در آن‌ها دیده می‌شود. بسیاری از آدم‌های این داستان‌ها که در متن، شخصیت محوری به‌شمار می‌آیند، در جهان داستان سهم چندانی از قدرت و نیز توان تغییر وضعیت به نفع خود و قرارگرفتن در مرکز یا پذیرفته‌شدن از سوی گروه اکثریت را ندارند. از این جهت، ادبیات کودک و نوجوان بازنمایی واقع‌گرایانه‌ای از دیگری داشته است؛ اما در داستان‌هایی که کفه‌ی فانتزی آن‌ها سنگین‌تر است یا جهان روایت از جهان واقعی کمی فاصله می‌گیرد، دیگری‌ها گاهی از قدرتی بیشتر برخوردارند و گاهی نیز در میزان و نوع این قدرت بزرگ‌نمایی می‌شود (نک: دختر، پرنده و چشم‌هایش و دختری ساکت با پرنده‌های شلوغ). این مسئله با پژوهش هابریل<sup>۱</sup> (۱۳۸۴) که وجود نیرویی مافوق انسانی را در شخصیت‌های داستانی معلول، عامل پذیرفته‌شدن آن‌ها در جمع انسان‌های سالم برمی‌شمرد، هم‌خوانی دارد.

به‌طور کلی، بازنمایی رفتار و رابطه‌ی خود یا مرکز با دیگری در داستان‌های بررسی‌شده، شکل‌هایی گوناگون از تضاد و دشمنی تا همدلی، تعامل و حمایت را دربر می‌گیرد؛ هرچند در بیشتر داستان‌ها بین خود/دیگری تعارض دیده می‌شود. تحلیل داستان‌ها نشان می‌دهد که کنش دیگری سطح، نوع و نتیجه‌های گوناگون دارد و نمی‌توان دیگری را در قالب دو کلمه‌ی کنشگر یا بی‌کنش تعریف کرد. این کار نه تنها توصیف و تفسیری دقیق به دست نمی‌دهد، بلکه ما را برخلاف هدفمان به دام تقابل دوتایی می‌اندازد. دسته‌بندی‌های زیر انواع شکل‌های ارتباط خود/دیگری را نشان می‌دهد:

- در برخی داستان‌ها بیشتر به شرح ویژگی‌ها یا احوال دیگری پرداخته شده و حکایت از ناتوانی او در تغییر وضعیت دارد. در بیشتر این داستان‌ها دیگری به دلیل محرومیت و وضعیت اجتماعی، اقتصادی یا جسمی‌اش توان کنش چندانی ندارد (نک: «دو خرما‌ی نارس»، «نمکو»، «رضو، اسدو و خجیجه»، «کودکان ماه، گواتی، لالایی برای دختر مرده،

<sup>1</sup> Habrel

دیوار و امشب ن خواب آیلاز).

- در داستان‌هایی که کنش مرکز یا قطب فرادست براساس تضاد و سلطه‌جویی است، در بیشتر موارد، شخصیت دیگری، واکنشی انفعالی و سلطه‌پذیر دارد و گاهی هم که نشانی از ایستادگی در برابر مرکز می‌بینیم، این کنش به ضرر دیگری فرودست تمام می‌شود یا اینکه ناگزیر تن به سلطه می‌دهد (نک: «رضو، اسدو و خجیجه»، «نمکو»، زرافه‌ی من آبی است).

- گاهی دو طرف تقابل از اساس دیدی منفی به هم دارند و کنش هردو با هدف حذف آن یکی یا تثبیت خود است (نک: تن‌تن و سندباد، مسافر دریا، آواره‌ی بی‌خورشید). در این نمونه‌ها دیگری همواره نوعی تهدید است که باید با او مرزبندی داشت.

- در برخی داستان‌ها مرکز، دیگری را از آغاز نمی‌پذیرد و او را می‌راند یا اینکه توجهی به دیگری ندارد (نک: دختری که مونداشت، من، خارپشت و عروسکم، لالایی برای دختر مرده). در این نمونه‌ها، دیگری به دلیل تفاوت‌هایش جایی در مرکز ندارد، هدف نگاه‌های تحقیرآمیز مرکز است و کنشی بسیار محدود دارد.

- در دسته‌ای از داستان‌ها، گذر زمان از تعارض می‌کاهد و زمینه‌ی گفت‌وگو و شناخت فراهم می‌شود و حتی گاه سبب تبدیل شدن دیگری به مرکز می‌شود (نک: ستاره‌ای به نام غول، شب‌به‌خیر فرمانده، غول و دوچرخه و به ماه نگاه کن).

- در گروهی از داستان‌ها نوسانی بین پذیرش و طرد دیگری دیده می‌شود که خود زمینه‌ساز کنش دیگری برای بیشترکردن امکان پذیرش و بهبود وضعیت می‌شود (نک: مشت بر پوست، «پسرک لبوفروش» و قصه‌های مجید). در این نمونه‌ها، دیگری کنش سازنده دارد و گاهی کمک آدم‌های دیگر، کنش او را تقویت می‌کند. این دیگری‌ها با ویژگی‌هایی مانند امیدواری و مسئولیت‌پذیری بازنمایی شده‌اند.

و سرانجام

- در دسته‌ای دیگر از داستان‌ها، شاهد پذیرش، حمایت یا مراقبت «خود» از دیگری از همان آغاز هستیم (نک: جام جهانی در جوادیه، «بچه‌ی ما میومیو می‌کرد»، «غربتی» و آغوشت را باز کن). این رابطه در برخی موارد همراه با کنش سازنده‌ی متقابل دیگری است؛ هرچند گاهی دیگری امکان و توان کنشی همپای مرکز را ندارد.

## ۵-۱. پیشنهاد پژوهشی

این پژوهش کوششی برای بررسی میزان و نوع بازنمایی دگربودگی در ادبیات کودک و نوجوان ایران بود و کوشید با پیش‌کشیدن موضوعی که کمتر بدان پرداخته شده ضمن آگاهی‌بخشی به پژوهشگران و نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان، حساسیت آنان به اهمیت شنیدن و بازتاباندن صدای دیگران در آثارشان برانگیخته شود. ناگفته پیداست که نمی‌توان با مفهوم چندوجهی و پیچیده‌ی دگربودگی به‌سادگی روبه‌رو شد و جستارهای بیشتر و گسترده‌تری نیاز است تا به درک بهتر از آن در ادبیات کودک کشورمان برسیم. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر درک می‌شود که متوجه باشیم خود کودک در برابر بزرگسال یک دیگری است و همین‌طور ادبیات کودک در برابر ادبیات بزرگسال. به همین شکل، انسان در برابر طبیعت و نیز طبیعت در برابر فرهنگ، تمدن و تربیت چنین وضعیتی دارد. در جامعه امروز ما، گفتمان سنتی و مدرن نیز دچار چنین تقابلی است و در دوره‌های گوناگون یکی غالب شده و سعی در حذف آن دیگری داشته است. حتی در جریان تربیت نیز نوعی فرایند دگرسازی با هدف جامعه‌پذیرساختن کودکان وجود دارد. دیگری و دگربودگی جنبه‌های تاریخی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیار دارند که آن‌ها را مفهوم‌هایی چالش‌برانگیزتر می‌سازد. بازنمایی این عوامل در ادبیات کودک قابل ردیابی و تحلیل است و می‌توان با بررسی گفتمان‌های آشکار و ضمنی موجود در ادبیات کودک و نوجوان، درکی بهتر از آن‌ها به دست آورد؛ از این‌رو، پژوهشگران عرصه‌ی ادبیات کودک و نوجوان می‌توانند با تمرکز بر هریک از این جنبه‌ها، بر آگاهی ما از مفهوم دیگری و دگربودگی و نیز شیوه‌های بازنمایی یا سرکوب و حذف آن بیفزایند.

## یادداشت‌ها

(۱). به‌جز اندیشمندانی که به نام آن‌ها اشاره شد، می‌توان هگل، فروید، بوبر، هربرت مید، لکان، فوکو، ایریگاری، هومی بابا، سیکسو و دیگران را نیز نام برد که فرصت آن در این مجال کوتاه ممکن نیست.

(۲). محمد حیدری ملایری که برای برخی واژه‌های بیگانه، به صورتی روشمند، برابر نهاد می‌سازد، واژه‌ی «پارادیش و پرادیش» را پیشنهاد داده است. توضیح‌های بیشتر درباره‌ی این برابر نهاد را می‌توانید در نشانی زیر بیابید:

<http://dictionary.obspm.fr/?formSearchTextfield=paradigm&formSubmit=Search&showAll=1>

(۳). به دلیل جامع نبودن نمونه‌ی بررسی شده در بحث دگربودگی زنان، این یافته‌ها محدود به نمونه‌ی این پژوهش است.

(۴). درون‌مایه‌ی تھی درون‌مایه‌ای است که در داستان‌های کودک و نوجوان نادیده گرفته شده است (نک: خسرو نژاد، ۲۰۰۴).

### فهرست منابع

اکبرپور، احمد. (۱۳۸۳). *شب‌به‌خیر فرمانده*. تصویرگر: مرتضی زاهدی، تهران: یونیسف. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *دختری ساکت با پرنده‌های شلوغ*. تصویرگر: مانلی منوچهری، تهران: علمی و فرهنگی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). *غول و دوچرخه*. تصویرگر: راشین خیریه، تهران: افق. اکرمی، جمال‌الدین. (۱۳۸۳). *دختر، پرنده و چشم‌هایش*. تصویرگر: میترا عبدالهی، تهران: شب‌ویز.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *کودکان ماه*. تصویرگر: مهکامه شعبانی، مشهد: به‌نشر. امیریان، داود. (۱۳۸۲). *جام جهانی در جوادیه*. تهران: کتاب‌های بنفشه. بهرنگی، صمد. (۱۳۸۱). *"پسرک لب‌فروش"*، در مجموعه‌ی *قصه‌های صمد*. تهران: دنیای کتاب.

تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۷). *منطق گفت‌وگویی میخائیل باختین*. ترجمه‌ی داریوش کریمی، تهران: مرکز.

جوزدانی، عذرا. (۱۳۸۴). *آغوش را باز کن*. تصویرگر: علیرضا گلدوزیان، تهران: کتاب‌های پروانه.

حدادی، هدا. (۱۳۸۴). *کوپه‌ی یازده و چند داستان دیگر*. مشهد: به‌نشر. حسن‌بیگی، ابراهیم. (۱۳۸۵). *به ماه نگاه کن*. تصویرگر: سولماز جوشقانی، تهران: مدرسه.

دودرر، کلاوس. (۱۳۸۳). «من دیگری هستم؛ بازتاب موضوع اقلیت نژادی در ادبیات کودک آلمان». *پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۱۰، شماره ۳۹، صص ۵۰-

- دهقانی سلماسی، راضیه. (۱۳۶۳). من، خاریشت و عروسکم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- دیه‌جی، عبدالرحمن. (۱۳۷۸). *امشب ن خواب آیلا*. تصویرگر: سعید بابایی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- سارتر، ژان پل. (۱۳۶۱). *اگزستانسیالیزم و اصالت بشر*. ترجمه‌ی مصطفی رحیمی، تهران: مروارید.
- شافعی‌زاده، جبار. (۱۳۸۳). *دیوار*. تصویرگر: راشین خیریه، تهران: یونیسف.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). *لالایی برای دختر مرده*. تهران: افق.
- شیخ‌رضایی، حسین و همکاران. (۱۳۹۱). «تفاوت، دیگری و اقلیت در ادبیات داستانی کودک و نوجوان». *کتاب ماه کودک و نوجوان*، شماره ۱۸۰، صص ۷۱-۸۱.
- شیخ‌الاسلامی، حسین. (۱۳۸۱). «او از ما نیست؛ نگاهی به دیگری در چهار کتاب از محمد میرکیانی». *پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۱۴۸-۱۶۰.
- طاق‌دیس، سوسن. (۱۳۸۴). *زرافه‌ی من آبی است*. تصویرگر: علیرضا گلدوزیان، تهران: امیرکبیر.
- عموزاده خلیلی، فریدون. (۱۳۸۴). *دو خرما‌ی نارس*. تهران: کتاب‌های بنفشه.
- گال، مردیت و همکاران. (۱۳۹۰). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی*. گروه مترجمان. تهران: سمت.
- محمدی، محمدهادی. (۱۳۸۲). *آواره‌ی بی‌خورشید*. تهران: چیستا.
- مرادی کرمانی، هوشنگ. (۱۳۸۴). *بچه‌های قالیباغخانه*. تهران: معین.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). *قصه‌های مجید*. تهران: معین.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵). *مشت بر پوست*. تهران: معین.
- میرکیانی، محمد. (۱۳۷۷). *تن‌تن و سندباد*. تهران: قدیانی.
- نعیمی، زری. (۱۳۸۶). «عفریت درون کودک». *پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۶۴-۷۶.
- نفیسی، گلرخ. (۱۳۸۸). *دختری که مونداشت*. تصویرگر: گلرخ نفیسی، تهران: دنیای تاتی.



هابرل، باربارا. (۱۳۸۴). «یکی دیگر از ما؛ قهرمانان معلول، شخصیت‌های غریب و بیگانه در ادبیات کودک آلمان و اتریش». پژوهشنامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، سال ۱۰، شماره ۴۰، صص ۵۰-۶۲.

یوسفی، محمدرضا. (۱۳۷۲). *مسافر دریا*. تهران: مدرسه.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۸). *ستاره‌ای به نام غول*. تهران: کتاب‌های بنفشه.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۲). *گواتی*. تهران: شعله‌ی اندیشه.

- Allan, J. (2006). "Other, the" In *The Routledge Dictionary of Literary Terms*. P. Childs; R. Fowler. London: Routledge. 164f.
- Baker, J. (2010). *Mirror*. Newtown NSW: Walker Books.
- Clarck, T. (2002). *Martin Heidegger*. London: Rutledge.
- De boire, S. (1956). *The Second Sex*. Translated by H. M. Parshelly. London: Lowe and Brydone.
- Gabriel, Y. (2008). *Organizing Words: A Critical Thesaurus for Social and Organization Studies*. Oxford: Oxford University Press.
- Heidegger, M. (1962). *Being and time*. Translated by John Macquarrie & Edward Robinson. New York: Harper & Row.
- International Labor Organization (ILO). (2012). "What is child labor". Retrieved from <http://www.ilo.org/ipec/facts/lang--en/index.htm>
- Johnston, R. R. (2009). "In and out of otherness: Being and not being in children's literature". *Neohelicon*, Vol. 36, PP. 45 – 54.
- Khazaie, D. (2010). "Deconstruction of Violence" In *Violence in English children's Literature*. Edited by Thomas Kullmann. Aachen: Shaker Verlag, PP. 88-114.
- Khosronejad, M. (2004). "Null theme and its role in Iranian young adults' fiction". Presented at Australian Children's literature Association for research. Unpublished paper.
- Levinas, E. (1985). *Ethics and infinity: Conversations with Philip Nemo*. (Richard A. Cohen Trans.). Pitsburg: Daquesne university press.
- Lierop-Debrauwer, H. V. (2011). "South Africa in Dutch children's literature, 1899-1901: The U-Huhu stories of Nynke van Hichtum". *Bookbird: A Journal of International Children's Literature*. 49 (1), PP. 1-8.
- Maykut, P. S., Morehouse, R. E. (1994). *Beginning Qualitative Research: A Philosophic and Practical Guide*. London, Washington D.C: Falmer Press.
- Mayring, P. (2000). "Qualitative Content Analysis". *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research [On-line Journal]*, Retrieved from

[research.net/fqs/fqs-e/2-00inhalt-e.htm](http://research.net/fqs/fqs-e/2-00inhalt-e.htm).

Nodelman, P. (1992). "The Other: Orientalism, Colonialism, and Children's Literature". *Children's Literature Association Quarterly*, 17 (1), PP. 29-35.

Ommundesen, A. M. (2011). "Childhood in a multicultural society: Globalization, cultural diversity in Norwegian children's literature". *Bookbird: A Journal of International Children's Literature*, 49 (1), PP. 31-40.

Wbster, R. (1993). *Studying literary theory*. New York: Routledge.